

سیاست ایجاد تغییر در افکار عمومی مردم جمهوری آذربایجان و تلاش برای دور کردن آنان از ایران

سرویس آذربایجان/خبرگزاری آران
خبرگزاری آران / سرویس آذربایجان :
محمد رستگار

سیاست ایجاد تغییر در افکار عمومی مردم جمهوری آذربایجان و تلاش برای دور کردن آنان از ایران موضوعی است که همواره از سوی برخی کشورهای غربی به ویژه آمریکا دنبال می شود.

این سیاست در گذشته سرلوحه سیاست کاری امپراتوری شوروی بود و با فروپاشی آن اکنون نیز در قالب های مختلف از سوی آمریکا و کشورهای غربی دنبال می شود. شوروی زمانی مناطقی را از سرزمین های مادری خود جدا و با انجام برنامه های مختلف سعی کرده بود نگاه آنان را از واقعیت های موجود دور نگه دارد.

با استقلال جمهوری آذربایجان در سال میلادی، شرایط لازم برای بازگشت دوباره مردم این کشور به ارزش های اصیل معنوی خود و برقراری روابط نزدیک با کشورهای اسلامی ۱۹۹۱ به خصوص جمهوری اسلامی ایران فراهم شد به گونه ای که این مهم این بار باعث نگرانی شدید آمریکا و بدخواهان شد.

برقراری مجدد استقلال جمهوری آذربایجان در واقع شکست سیاست هفتاد ساله و ایدئولوژی زمامداران شوروی برای دور کردن مردم مسلمان از ارزش های معنوی اسلامی و تبدیل آنان به انسان شوروی (HOMO SOVIETIC) بود.

زمامداران شوروی به نزدیکی معنوی و فرهنگی و مشترکات تاریخی دیرینه مردم جمهوری آذربایجان با ایران توجه جدی داشتند و به این خاطر دورسازی هر چه بیشتر آنان از ایران و ارزش های دینی و معنوی، یکی از سیاست های مهم و الویت دار ایدئولوژی شوروی بود.

باید اعتراف کرد که شوروی در انجام این ایده تا حدی نیز موفق بود، به گونه ای که مردم جمهوری آذربایجان آشنایی و اطلاعات بسیار کمی از مشترکات تاریخی و معنوی با ایران داشتند و اکنون نیز به نظر می رسد بسیاری از آنان اطلاعات اندکی از کشورمان دارند.

تا زمان استقلال جمهوری آذربایجان، بر اثر تبلیغات منفی شوروی میان شهروندان جمهوری آذربایجان چنین نگرشی شکل گرفته بود که ایران کشوری بسیار عقب مانده در همه عرصه هاست و از طرفی به علت اقدام رژیم کمونیستی در زمینه جلوگیری شدید از هر گونه تماسی با اتباع خارجی به خصوص ایرانیان، مردم کشورمان نیز درباره جمهوری آذربایجان و به طور کلی شوروی اطلاعات ناچیزی داشتند.

امروزه و به رغم تلاش های منفی، بسیاری از مردم جمهوری آذربایجان معتقدند که نزدیکان و وابستگی را در میان ایرانیان دارند و همواره آرزوی دیدار آنان را داشته اند. شوق و اشتیاق مردم جمهوری آذربایجان برای دیدار با ایرانیان برای نخستین بار در آستانه فروپاشی شوروی تحقق یافت.

جمعی از ساکنان مناطق مرزی با جمهوری آذربایجان از جمله نخجوان، لنکران و آستارا در اعتراض به سرکوب خونین اعتراضات مردمی در باکو از سوی ارتش شوروی در ماه ژانویه سال میلادی، مرز جمهوری اسلامی ایران را شکستند و مشتاقانه به دیدار برادران ایرانی خود در این سوی مرز شتافتند و بسیاری از شهروندان آذری در نخستین برخورد خود ۱۹۹۰ سال میلادی، با ایران، اظهار داشتند که برخلاف تصورات قبلی شاهد پیشرفت و آبادانی قابل توجه در ایران حتی در مقایسه با شوروی هستند.

با فروپاشی شوروی چنین به نظر می رسید که هر گونه شرایط برای توسعه مناسبات ایران و جمهوری آذربایجان مهیا شده است. کمکهای ایران در جریان مناقشه قره باغ به شهروندان آذری که از طریق رود ارس به ایران پناه آورده بودند و ایجاد چند شهرک برای آوارگان جنگی آذری نشانگر حسن نیت ایران نسبت به همسایه مسلمان تازه استقلال یافته خود بود.

در سال یعنی یک سال پس از استقلال جمهوری آذربایجان، با رسیدن ابوالفضل ایلچی بیک به قدرت، سیاست این دولت جدید درباره ایران تردید هایی را در زمینه برقراری ۱۹۹۲ مناسبات حسنه میان دو کشور ایجاد کرد.

بیانیه های ایلچی بیک درباره آذربایجان واحد و ادعاهای وی در مورد نقض حقوق آذری ها در ایران موجب سردی مناسبات دو کشور شد. برخی کارشناسان سیاسی معتقدند که غرب و حکومت های لایبیک وقت ترکیه که پس از فروپاشی شوروی تلاش وافر را برای نفوذ در منطقه قفقاز به کار بستند و با آگاهی از نزدیکی تاریخی و معنوی دو ملت ایران و جمهوری آذربایجان سعی در تحریک حکومت جبهه خلق و اتخاذ سیاست ضد ایرانی داشتند.

سیاست و تبلیغات ضد ایرانی حکومت یک ساله جبهه خلق و رسانه های وابسته به آن لطمه جدی به مناسبات دو کشور ایران و جمهوری آذربایجان وارد کرد و موجب شکل گیری نظرات نادرست میان شهروندان جمهوری آذربایجان درباره ایران شد.

کارشناسان موضع ضد ایرانی حکومت ایلچی بیک را منطبق با سیاست آمریکا، محافل بین المللی صهیونیستی و حکومت های لایبیک وقت ترکیه که پس از فروپاشی شوروی برای تقویت نفوذ خود در منطقه قفقاز از جمله جمهوری آذربایجان تلاش می کردند، ارزیابی می کنند.

این کشورها با توجه و آگاهی از مشترکات دیرینه تاریخی و فرهنگی مردم جمهوری آذربایجان و ایران از تقویت مناسبات آنها به شدت نگران بودند و به همین علت برای جلوگیری از آن دست به توطئه های مختلف می زدند.

با سرنگونی دولت ایلچی بیک در تابستان سال میلادی در نتیجه شورش سرهنگ صورت حسین اف و فرار ابوالفضل ایلچی بیک به نخجوان زادگاه خود و رسیدن حیدر علی ۱۹۹۳ اف به قدرت، امیدهایی برای بهبود مناسبات ایران و جمهوری آذربایجان و پایان روند تبلیغات ضد ایرانی به وجود آمد.

در این شرایط نیز تجربه سیاسی حیدر علی اف به عنوان یکی از شخصیت ها و مهره های اصلی شوروی مورد توجه افکار عمومی و مسولان ایرانی قرار گرفت و به این خاطر امید می رفت که دولت جدید جمهوری آذربایجان به سیاست نادرست حکومت ایلچی بیک در مناسبات بین دو کشور همسایه پایان می دهد.

سالهای اول حکومت حیدر علی اف با ناآرامی های داخلی در جمهوری آذربایجان و بروز دو شورش بزرگ علیه وی که گفته می شود از سوی محافل خارجی هدایت می شد، سپری شد.

در شرایطی که علی اف سرگرم جلوگیری از این ناآرامی ها و نیز تقویت قدرت خود در داخل کشور بود، تبلیغات ضد ایرانی توسط رسانه های وابسته به احزاب گروه های غربگرا همچنان ادامه داشت.

این رسانه ها که گفته می شود از سوی غرب تامین مالی می شدند، تبلیغات واهی درباره موضوع آذربایجان واحد، نقض حقوق آذری ها در ایران، تلاش ایران برای صدور انقلاب اسلامی به جمهوری آذربایجان، با هدف دورسازی دو ملت و دو کشور از هم مطرح می کردند.

پس از این تبلیغات ادعای دیگری درباره کمک ایران به ارمنستان و نجات این کشور از انزوای اقتصادی از جمله تبلیغات تند رسانه ها و محافل سیاسی غربگرا در جمهوری آذربایجان بود که تاثیر بسیار منفی بر شکل گیری نظرات جامعه این کشور درباره ایران داشت.

علاوه بر این، اوایل حکومت حیدر علی اف چند رویداد دیگر نیز تاثیر منفی بر مناسبات دو کشور داشت.

به دنبال امضای قرارداد نفتی میان جمهوری آذربایجان و جمعی از شرکت های پیشگام غربی در خصوص بهره برداری از چند میدان نفتی در دریای خزر، ایران با مخالفت شدید

آمریکا در خارج از این قرارداد قرار گرفت.

همچنین بازداشت تنی چند از مسوولان حزب اسلامی به اتهام فعالیت جاسوسی به نفع ایران در سال میلادی و گسترش تبلیغات ضد ایرانی از سوی اغلب رسانه های ۱۹۹۶

جمهوری آذربایجان همراه بود.

اغلب کارشناسان معتقدند که این قبیل موضوعات و اتهامات از سوی محافل مشخص غربی و صهیونیسم بین المللی نزدیک به محافل سیاسی وابسته در جمهوری آذربایجان به

منظور ایجاد هر چه بیشتر تفرقه میان دو کشور برادر و شیعه منتقل می شود.

به اعتقاد آنان ، دشمنان و بدخواهان از علایق و مشترکات زیاد دو کشور از جمله مذهب و زبان به شدت نگران هستند و همواره با طرح ادعای واهی مانع برقراری روابط مستحکم

ایران با جمهوری آذربایجان شوند و در این زمینه بر انجام توطئه های مختلف به منظور ایجاد تفرقه تلاش می کنند.

مسوولان جمهوری آذربایجان اکنون به اهمیت تعمیق روابط با جمهوری اسلامی ایران واقفند و سفرهای متقابل از جمله چند سفر حیدر علی اف و فرزندش الهام علی اف به ایران

نیز حکایت از آن دارد.

با این حال کارشناسان سیاسی معتقدند که در اغلب موارد هیاهو و تبلیغات واهی ضد ایرانی که هر از چند در جمهوری آذربایجان به راه می افتد به ابتکار و گاهی هم تحت فشار

غربی ها صورت می گیرد.

همه این تبلیغات مضر تاثیر منفی در شکل گیری نظرات اکثر شهروندان جمهوری آذربایجان که شناخت لازم درباره ایران ندارند ، ایجاد می کند.

برخی از کارشناسان حتی عقیده دارند تا زمانی که مناسبات آمریکا و ایران بهبود نیافته، غرب با توجه به منافع خود امکان برقراری مناسبات حسنه میان ایران و جمهوری آذربایجان

را نمی دهد و همواره برای ایجاد تفرقه و دورسازی دو کشور از هم به توطئه های مختلفی متوسل خواهند شد.

نبود اعتماد واقعی بین دو کشور از جمله موارد مهمی است که در مناسبات نیک ایران و جمهوری آذربایجان سایه افکنده است.

جمهوری آذربایجان پس از شکست نظامی در مناقشه قره باغ متوجه فعالیت گسترده لابی ارمنی به خصوص ارامنه مقیم کشورهای خارجی به نفع ارمنستان شد و دولت باکو برای

خنثی کردن این فعالیت ضد جمهوری آذربایجان و تقویت جایگاه خود در سطح بین المللی به ایجاد لابی آذری در کشورهای خارجی پرداخت و با استفاده از امکانات جوامع آذری

مقیم کشورهای خارجی تشکلی با عنوان کنگره آذری های جهان را تشکیل داد.

با توجه به این که اکثر جوامع آذری در اغلب کشورهای اروپایی و آمریکا افراد آذری تبار ایران هستند، تلاش دولت باکو برای استفاده از امکانات آنها برای فعالیت لابی خود، در

اغلب موارد لطمه ای به مناسبات ایران و جمهوری آذربایجان وارد کرده است.

با توجه به این که تعدادی از این افراد مخالف دولت ایران هستند، با شرکت در سطوح مختلف همایش ها و کنگره آذری های جهان و طرح مطالب و مواردی علیه ایران، موجب

نارضایتی در مناسبات دو کشور می شوند.

از نظر اقتصادی نیز دست های پنهانی فعالیت دارند تا با تبلیغ کالاهای ایران به عنوان کالاهای بی کیفیت ، مانع حضور ، گسترش و استفاده از محصولات ایرانی در کشور همسایه

جمهوری آذربایجان شوند.

البته باید به این مهم نیز اشاره کرد که پس از فروپاشی شوروی و استقلال جمهوری آذربایجان که مردم از وضعیت اقتصادی نامساعد و قدرت خرید پایین تری برخوردار بودند

محصولات بی کیفیت ایرانی با قیمت های پایین به این کشور سراربر شد و چنین نظراتی شکل گرفت که کالاهای تولید ایران از کیفیت لازم برخوردار نیست به طوری که آثار این

موضوع هنوز در ذهن ها باقی است.

نخستین آشنایی آذری ها با توانایی واقعی اقتصادی ایران در سال میلادی به دنبال برپایی بزرگترین نمایشگاه کالاهای صنعتی ایران در باکو با حضور حیدر علی اف رییس ۱۹۹۸

جمهوری وقت این کشور بود.

پایان پیام.